

تاملی در تحول مناظره از درخت آسوریک تا اشعار نیمایی

مناظره (Debate)، نوعی بیان هنرمندانه است که به طور غیر مستقیم، خواننده را به خود جلب می کند و قوه ی سنجش و تفکر او را به چالش می کشد. در این نوع بیان از مقابله و مقایسه ی دو عنصر متفاوت و گاه متضاد، و کشمکش های میان آنها برای رسیدن به مقصود استفاده شده است.

در مقاله حاضر، باروش تحلیلی سیر تکاملی این نوع ادبی از ابتدای شکل گیری تا روزگار نیما بررسی شده و علل تکامل و توسعه آن تبیین شده است.

این نوع ادبی در ابتدا به صورت گفتگوهای ساده و تمثیل مرسوم بوده، سپس تبدیل به یک فرم خاص و ژانر ادبی گردیده است. از قرن ششم به منظور اثبات نظریه های فلسفی، نتایج اخلاقی و یا هنرنمایی در عرصه ی شعر به اوج می رسد. سپس در هر دوره ای بنا بر اقتضای زمان، موضوع و محتوا متفاوت می شود، عنصری و اسدی برای مدح حکام، نظامی گنجوی برای بیان مقاصد رومانیتیک، سنایی و مولوی برای تبیین مفاهیم عرفانی و اخلاقی و در دوره معاصر پروین اعتصامی برای بیان مسایل انتقادی از مناظره سود برده اند. در واقع این نیاز جامعه و ادبا است که در هر دوره حرکت تکاملی و افست و خیز های مناظره را روشن می نماید. **قدیمی ترین مناظره ی موجود «درخت آسوریک» در زبان پهلوی اشکانی است. که در آن درخت و بز طی مباحثه به برشمردن فواید خود می پردازند و سرانجام این مبارزه به پیروزی بز بر درخت می انجامد. در ادب نیمایی نیز، پیروی از الگوی کهن مناظره مشاهده می شود، با این تفاوت که دیدگاه متفاوت ادبا در قالب و محتوا با شعرای پیشین در انتخاب مضمون بسیار متفاوت است.**

واژه های کلیدی: مناظره، ادب فارسی، **درخت آسوریک**، زبان حال، شعر،

1. مقدمه :

مناظره، در ادبیات همه ی ملت های جهان مورد توجه بوده است. در ادبیات غرب قدمت آن به دو اثر مشهور آریستوفانس (Aristophanes)، شاعر یونانی (385-450 ق.م) «غوک ها» و «ابرها» می رسد که اولی مناظره ای است بین دو شاعر و دومی مناظره میان دو مفهوم حق و ناحق است. که در برابر هم قرار می گیرند. ویرژیل (Virgil)، (70-19 ق.م) - شاعر رومی - نیز نمونه هایی از مناظره از خود به جا گذاشته است. با این وجود اوج این نوع شعر را در اروپا قرن دوازده و سیزدهم میلادی می دانند. در ادبیات عرب به مناظره کم تر بر می خوریم، اما نمونه هایی از مناظره منثور در مقامات حریری تالیف قاسم بن علی حریری وجود دارد و همچنین مناظره ای به نام «السيف و القلم» از ابن الوردی. ایرانیان نیز از گذشته های دور به مناظره توجه داشته اند. با ورود اسلام به ایران این نوع ادبی گسترش چشمگیری داشته است. هرچند

با توجه به اوضاع سیاسی اجتماعی هر دوره نحوه نگرش به آن متفاوت بوده است.

مناظره از نظر ماهیت، از فروع ادب حماسی به شمار می رود (شمیسا، 1386: 23) به نظر می رسد، نمی توان از نظر معنی آن را به کلی از ادب تعلیمی و از نظر صورت از ادب دراماتیک و نمایشی متمایز کرد. به ویژه آنکه استفاده از این نوع ادبی برای تعلیم اهداف اخلاقی، عرفانی، اجتماعی و سیاسی مرسوم بوده که شاعران و نویسندگان فراوانی از این ژانر، برای بیان اهداف یاد شده سود جسته اند.

2. پیشینه پژوهش:

در این خصوص، تحقیقاتی در سال های اخیر صورت گرفته است. از جمله، تحقیقی با عنوان " جایگاه فن مناظره در شاهنامه ی فردوسی"، توسط غلام علی فلاح قهرودی، در این اثر دو مناظره ی «مانی و موبد» و «موبد و مزدک» شاهنامه بررسی و تحلیل شده است. و در پایان به این نتیجه رسیده اند که، مناظرات شاهنامه همان گفت گوهای بسته و معدودی هستند که عموماً، میان اهل علم و متکلمان، در مورد مسایل اعتقادی و غیر اعتقادی، جهت اثبات نظر خود در مورد حکمی از احکام و روشن کردن حق و صواب در می گرفته است. که با مناظرات اسدی، که در تغزل و تشبیب قصاید مدحی به کار رفته کاملاً متفاوت است. (فلاح، 1387: 155)

تحقیق دیگر با عنوان "مناظره ی عقل، علم و حلم و دولت از مولفی ناشناخته" به نصراله پور جوادی، تعلق دارد. در این اثر می خوانیم: «مناظرات زبان حالی در ادبیات پارسی در زمره ی انواع ادبی، غالباً مربوط به دربارها بوده است.» (پور جوادی، 1384: 23)

البته تعدادی مقاله نیز در باره مناظره نگارش یافته و مناظره ها را به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داده است. اما مستندات نشان داد که تاکنون تحقیقی در باره سیر مناظره ها در ادب فارسی انجام نگرفته است.

3. روش تحقیق:

این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی سیر تکاملی «مناظره» در زبان فارسی، در قرون مختلف، با ذکر نمونه هایی چند از متون می پردازد.

4. سوالات پژوهش:

پرسش هایی که در این پژوهش بدان پاسخ داده می شود عبارت است از اینکه فلسفه ی پیدایش مناظره ریشه در چه امری دارد؟ آیا مناظره نویسی و نوع نگاه ادبا به آن قبل اسلام و بعد از آن یکسان بوده است؟ میزان توجه ادبا به مناظره در چه دوره ای بیشتر است؟

5. تعریف مناظره:

مناظره در لغت «مباحثه کردن و بحث کردن» در باره ی حقیقت و ماهیت چیزی، یا باهم سوال و جواب کردن است. (دهخدا، لغت نامه)

در فرهنگ اصطلاحات ادبی، در تعریف مناظره آمده است: شعر یا نثری که در آن، دو چیز یا دو کس، در مقابل هم قرار گیرند، و بر سر موضوعی با هم بحث و گفت و گو کنند، تا سر انجام یکی بر دیگری غالب آید. (داد، 1378: 45) در این نوع ادبی، هدف شاعر یا نویسنده، از این مقابل هم قرار دادن، اثبات نتیجه ای فلسفی، یا اخلاقی و یا هنر نمایی شاعرانه است. شخصیت های اصلی یا انسانند یا از زمره ی اشیا، جانوران و مفاهیم انتزاعی، که هر کدام مظهر عقیده یا طرز فکری می شوند. (انوشه، 1381: 1276)

در تعریفی دیگر از مناظره نوشته اند: ژرف ساخت مناظره، حماسه است. زیرا در آن، میان دو کس یا دو چیز بر سر برتری و فضیلت خود بر دیگری نزاع و اختلاف لفظی در می گیرد، که هر یک با استدلال، خود را بر دیگری ترجیح می نهد و سر انجام یکی مغلوب یا مجاب می شود. (شمیسا، 1386: 227)

اگر بپذیریم که، ژرف ساخت مناظره، حماسه است. باید گفت، احتجاجاتی که جنگ جویان در معرکه ی نبرد در مقابل حریف می شمرند، قابلیت روشنی است، برای اهل فضل، تا از این طریق، موضوع مناظره را در نظم و نثر خویش همراه با توانمندی و هنر نمایی های شاعرانه قرار دهند. نظیر مناظره ی "خسرو و فرهاد" که از زیباترین بخش های منظومه ی "خسرو شیرین" نظامی است.

6. شکل و قالب مناظره:

اگر چه در شعر فارسی، مناظره، شکل و قالب خاصی ندارد. اما از سده ی پنجم هجری جز قصیده، قالب های، غزل، قطعه، مثنوی و دو بیتی نیز برای سرایش مناظره رواج یافت. شاعر پر آوازه ی گنجه، نظامی، قالب مثنوی را جولانگاه مناظرات خویش قرار داده است. و از آن جا که، سر آمد قالب شعری در سبک عراقی غزل است. عمده مناظرات این سبک نیز، در هیأت غزل آمده است. چنانکه، کمال الدین خجندی، حافظ، سعدی و خواجه کرمانی در این قالب طبع آزمایی کرده اند و شعرای معاصر از جمله: پروین اعتصامی، و دیگران به قالب های قطعه و مثنوی روی آورده اند.

7. اساس و فلسفه ی شکل گیری مناظره:

محمد غنیمی هلالی، به احتمالی، ریشه ی این نوع ادبی را به دوران افلاطون و ارسطو می رساند و می نویسد: شاید نظرات افلاطون و ارسطو بین مسلمانان و به احتمال قریب به یقین- وجود کتاب هایی با عنوان «المحاسن» که در آن روزگار در زمینه ی مجادلات خطابه ای پرداخته می شد- در رواج این قبیل مناظرات در قرون نخستین اسلام موثر بوده است. واز آنجا که، کتاب های «المحاسن» زیر نفوذ اصل پهلوی قرار گرفته است. هرگز خالی از ذکر المساوی نبوده است. احیانا در این کتاب ها

مناظرات به شکل، پرسش و پاسخ تنظیم شده است. (شوشتری، 1389: 61)

از سوی دیگر، این نوع ادبی می تواند ریشه در مفاخره داشته باشد. از آنجا که، مفاخره سرایی در فرهنگ عرب و آنگاه در ادب عجم

، یک امتیاز و برتری به حساب می‌آمد. به تدریج این فخر فروشی‌ها، گاه جاهلانه شکل و شمایل دو سویه به خود گرفته و در هیأت «گفت و گوهای» دو طرفه یا به صورت پرسش و پاسخ و قال و قلت و به زیبا ترین صورت، در زبان فارسی «گفتم، گفت» آمده است.

8. تاریخچه ی مناظره از آغاز تا امروز:

تاریخچه ی این نوع ادبی را می‌توان به قبل و بعد از اسلام منقسم نمود. وعلل تکامل و افت و خیزهای آن را در ادوار مختلف تبیین و بررسی نمود:

الف- مناظره قبل از اسلام: این شیوه، در فرهنگ و ادب ایران متداول بوده است. چنین می‌نماید که ایرانیان، این نوع ادبی را که دارای خصوصیت ادبیات شفاهی است، در ادوار قدیم از بین النهرین، اقتباس کرده اند. نمونه ای از آن در متون سومری آکدی دیده می‌شود. در میان این اقوام پیکارها و مناظرات دیگری چون: (بیل و خیش-تابستان و زمستان- درخت ونی^۵ میش و گندم و...) وجود داشته است که جنبه ی نمایشی درباری داشته، به طوری که دو نفر در نقش این شخصیت های زبان حالی در صحنه ی نمایش ظاهر می‌شدند و به گفت و گو می‌پرداختند. (پور جوادی، 1385: 32)

البته قدیمی ترین مناظره ی زبان حالی موجود در فرهنگ ایران، مناظره ای موسوم به «درخت آسوریک» در زبان پهلوی اشکانی است. که در آن درخت و بز به مباحثه و مجادله بر می‌خیزند. تا ضمن بر شمردن فواید خود طرف مقابل را تسلیم کنند. سرانجام این مبارزه به پیروزی بز بر درخت می‌انجامد. (تفضلی، 1327: 256)

منظومه درخت آسوریک کتابی است نوشته شده به زبان پارسی و خط پهلوی کتابی و از معدود متن های غیر دینی است که از زبان پارسی (آمیخته به پارسی میانه) بر جای مانده است. «بیش تر عبارات آن جملاتی مجزا است که هریک دارای هفت تا نه سیلاب است.» (گلبن، 1351: 31) «اشعار آن دوازده هجایی است که در هجای پنجم و گاهی هفتم وقوف دارد و پایبند به قافیه هم نیست.» (همان: 128)

در این داستان شاهد گفتمان درخت آسوری (درخت آسورستانی، درخت خرما) و بز هستیم که در فرجام، به برتری بز می‌انجامد. شاید بتوان بز را نماینده دین زرتشت و درخت آسوریک را نماینده دین چند گونه پرستی آسور دانست. در خور توجه است که در آیین دینی آسوریان درختی خشک به کار می‌رفته که آن را با زر و زیور ساختگی می‌آراستند. بی پروا و خشن بودن بز را هم در گفتگو می‌توان دلیل بر برتری اجتماعی مزدپرستان دانست.

آسورستان یکی از استان های ایران بود که اکنون عراق مرکزی را تشکیل می‌دهد. کتاب کوچک درخت آسوریک به گونه ی شعر و در پیوسته (منظوم) بوده است با مصراع های شش هجایی و دوازده هجایی، برخی از پژوهشگران آن را از آثار ادبی و در پیوسته روزگار اشکانی دانسته اند. بخش هایی از آن که باقی مانده، اوزان شعرگون خود را نگاه داشته است. پساوندها با «الف و نون» و برخی با «نون و دال» بوده

است. درباره این منظومه مقالات و نوشته های اندکی در دست است و کتاب ارزش مندی از ماهیار نوابی به رشته تحریر در آمده است. بنا به تحقیق مرحوم مجتبی مینوی، در اوایل عهد اشکانی، داستان بلند و مهیج «ویس و رامین» و «زردو و موبد^۱ شهر و ویرو» اتفاق افتاده، که در این داستان زیبا و عشقی، مناظره ی بلندی پس از ده نامه ی بی جواب او و نامه ی پشیمان شدن رامین و آمدنش به نزد ویس و خشم ویس، اتفاق افتاده است. (مینوی، 1314: 24)

در این مناظر زیبا پس از آن که رامین از ویس می بُرد و با گل ازدواج می کند. بعد نادم گشته و به نزد ویس باز می گردد. ویس در شبی سرد و برفی برای انتقام از او، وی را راه نمی دهد. تا برف بسیار او را می آزارد با ویس به گفت و گو می پردازد. وقتی که خود را با مرگ در گیر می بیند. روی از او بر می گرداند و می رود. تا اینکه ویس دایه را به دنبالش می فرستد. مناظره به صورت پرسش و پاسخ های بلند و بسیار زیبا انجام می گیرد.

در عهد اشکانی این نوع مناظرها معمول بوده و گاهی شاعران نیز به آن اشاراتی دارند. مانند اشاره ی کرم واردشیر بابکان در ابتدای کارنامه ی اردشیر. این داستان را شش مرد دانا گردآوری کرده اند و اسعد گرگانی آن را از پهلوی به نظم زیبای فارسی ترجمه و در بحر هزج و وزن خسرو شیرین نظامی به شعر در آورده است.

مناظرات قبل از اسلام جز ویس و رامین که مفصل است به صورت بدوی بوده و آنچه هست گفت گوهای کوتاه و ساده ای هستند که بیشتر حالت نمایشی داشته و در درباره برای مطایبه به کار می رفته است.

ب- مناظره بعد از اسلام: در دوره اسلامی بیش تر مناظرات در میان شاعران آذربایجان و عراق رواج داشته است. هر چند حکیم فردوسی برای پردازش داستان های بی همال خود که، از گونه های مختلفی مانند دیالوگ، مونولوگ، نیایش، رجز خوانی، مرثیه خوانی و از جمله مناظره بهره جسته است (سرامی، 1368: 6)، اما عنصری از این شیوه ی بیانی، به صورت تمثیل برای بیان و اثبات نظریه ی خویش بهره جسته است. از گفت و گو های موجود می توان به مناظره «زاغ و باز» وی اشاره کرد.

از زمان اسدی به بعد مناظره های زبان حالی متعددی در نظم و هم در نثر تصنیف گردیده است. در این نوع مناظره هریک از دو طرف سعی می کند محاسن خود را به رخ دیگری بکشد. در انتهای مناظره چون دو طرف نمی توانند یکدیگر را مغلوب کنند. نزد داور می روند و داور هم حکم می کند که هر دو فوایدی دارند و بهتر است که با هم صلح کنند.

اغلب شاعران و نویسندگان درباری از این شیوه برای سرگرمی پادشاهان و امرا بهره گرفته اند. به همین دلیل در بسیاری از این مناظره ها، داور همان امیر یا وزیری بوده که مناظره برای او نوشته شده است. از این نمونه می توان اشاره کرد به «نرد و شطرنج» از حسام الدین برای حاکم شوستر.

مناظره در قرن پنجم:

شاعر بر جسته ی مناظره گوی این قرن را اهل تحقیق، به اتفاق ابو نصر علی بن احمد اسدی طوسی (متوفی 465ق)، معرفی کرده اند. اسدی علاوه بر خلق گرشاسپ نامه، در قصاید خویش، سبک تازه ای را ایجاد کرده است. شبلی نعمانی، این نوع آوری سبکی او را به خاطر مناظراتی می داند، که از ایجادات خاص اوست. که در آنها، دو چیز را با هم به مناظره انداخته، ودلائل ترجیح هر کدام را ذکر می کند، تا آنکه به مدح شاه گریزی بزند. (شبلی، 1335:141)

هرمان اته (Hermann Ethe): اسدی طوسی را بانی و مبتکر فن مناظره می داند. و در این باره می نویسد: «عجب اینکه این نوع شعر در اشکال قدیمی خود با بعضی از اشعار و تصانیف محلی فرانسه و انگلیس هم مشابه است. چندان که شخص، تصور می کند شاید در دوره ی جنگ های صلیبی تأثیر شرق در غرب وقوع یافته باشد. (اته. 1337:40)

دوره ی بلوغ اسدی در شاعری، مصادف بود با انقلابات خراسان و غلبه ی سلاجقه بر آن دیار و برافتادن حکومت غزنویان از آن سامان. چون اسدی محیط مساعدی برای شاعری نمی یافت. ناگزیر خراسان را ترک نمود، و به غرب ایران، یعنی آذربایجان روی نهاد. و سبک تازه ای در شعر که همان «مناظره» است ایجاد نمود. بهار در این باره می نویسد: «مناظره از قدیم الایام خاص ادبیات شمال و غرب ایران بوده است. مجموع قصاید اسدی و مناظرات ایشان در آذربایجان ساخته شده است.» (بهار، 1371:

211)

اسدی مناظراتی چون: «آسمان وزمین»، «مغ و مسلمان»، «نیزه و کمان» و «شب و روز» را خلق کرده است. نمونه ای از ابیات مناظره ی آسمان وزمین:

گفت آنکه آسمان به زمین کز تو من به ام
کم فضل از تو بیش و فراوان به صد گوا
... کرسی و عرش و لوح و قلم جمله در من است
هم خلد عدن ایزد و هم سدره منتها
... گفتش زمی که این صلف و عجب و کبر چند
خاموش باش و بس کن ازین بیهده هُذا...

(اسدی طوسی، به نقل از دهخدا: ذیل واژه اسدی طوسی)

از این قرن به بعد مناظره شکل وفرم واقعی خود را پیدا کرده و بنا به موضوع و محتوا و مقتضی زمان و ذهن شاعر متفاوت بوده و نوع نگرش ادبا به آن تغییر یافته است. مثلاً: نظامی و اسعد گرگانی در قالب مثنوی عاشقانه آن را به کمال می رسانند.

مناظره در قرن ششم :

تعداد مناظره گوینان در قرن ششم بسیار است، که از جمله آنها نظامی، شاعر شیرین گفتار بزمی سرای است، وی در مناظره نقاشان رومی و چینی در اسکندر نامه و به ویژه در گفت و گوی خسرو و فرهاد، که از زیباترین بخش های منظومه ی خسرو شیرین است مناظره گویی را به اوج می رساند. قدرت نظامی در نقل داستان ها، مهارت او در وصف و دقتی که در کلام

خود به کار گرفته است باعث شده که منظومه های وی مورد توجه و تقلید شاعران بعد از او قرار گیرد. از این رو سبک و مکتب خاصی در ادبیات به وجود آورده است. وی قالب مثنوی را جولانگاه مناظرات خویش قرار داده است.

نظامی در مخزن الاسرار، مناظره را به معنای رایج آن به کار برده است، برای نمونه: مناظره ی « بلبل و باز » و « روباه و سگ ». اما در خسرو شیرین، شکل و فرم با مفهوم رایج مناظره، در ادب فارسی اندکی متفاوت است. در مخزن الاسرار در مناظرات ادبی رایج، فن گفت و گو ها حالت تمثیلی و خیالی دارند. به منظور تعلیم و تربیت خواننده بیان می شوند. و نتیجه ای فلسفی و اخلاقی از آن گرفته می شود. به طور کلی نظامی، با استفاده از این شیوه توانست با ایجاد مناظره میان دو رقیب عشقی، به ماجراهای عاشقانه و رمانتیک سده ی ششم روحی تازه ببخشد و مناظره، را به اوج برساند.

معمولا، زمانی که مناظره میان دو رقیب متفاوت، در یک موقعیت رو در رو رخ می دهد. و موقعیت گوینده و شنونده مرتبا میان آنان جابه جا می شود و گفتگوهای آنان تحت تاثیر مخاطبان و شنوندگان متنوع قرار می گیرد و فرم واقعی خود را می یابد. چنان که نظامی آن را در خسرو شیرین به زیبایی و رسایی به کار گرفته است:

نخستین بار گفتش: کز کجایی؟
بگفت: از دار ملک آشنایی
بگفت: آنجا به صنعت در چه کوشند؟
بگفت: انده خوردند و جان فروشند
بگفتا: جان فروشی در ادب نیست
بگفت: از عشقبازان این عجب نیست
بگفت: از دل شدی عاشق بدین سان؟
بگفت: از دل تو می گویی من از جان
بگفتا: عشق شیرین بر تو چون است؟
بگفت: از جان شیرینم فزون است
بگفتا: هر شبش بینی چو مهتاب؟
بگفت: آری چو خواب آید کجا خواب؟
بگفتا: دل ز مهرش کی کنی پاک؟
بگفت: آنکه که باشم خفته در خاک
بگفتا: گر خرامی در سرایش؟
بگفت: اندازم این سر زیر پایش

(نظامی، 1363: 233)

تا پس از پرسش ها و پاسخ های زیبای سنگ تراش، خسرو عاجز می گردد. و به یاران می گوید:

به یاران گفت کز خاکی و آبی
ندیدم کس بدین حاضر جوابی

(همان، 235)

شعر عرفانی را که سنایی ایجاد نموده بود در قرن هفتم توسط شاعرانی چون عطار نیشابوری و مولوی به اوج رسید وادبا این قرن از قالب مناظره برای بیان مفاهیم عرفانی بهره جستند.

مناظره در قرن هفتم:

در این قرن هم، مناظره گویان بزرگی مطرح می شوند. از جمله، امیر خسرو دهلوی، دهلوی در خسرو و شیرین به استقبال خمسه ی نظامی می رود و بین «شیرین و خسرو»، «خسرو و فرهاد» دو گفت وگو جذاب ترتیب می دهد. هم چنین مولوی، در مثنوی معنوی مناظراتی سروده است.

مناظره ای از مولانا:

آن یکی پرسید اشتر را که، هی
از کجا می آیی ای فرخنده پی؟
گفت: از حمام کوی تو
گفت: خود پیدا است از زانوی تو

(مولوی، 1363: 157)

جند بیتی از غزلیات شمس:

گفتا، که کیست بر در؟ گفتم: کمین غلامت
گفتا، چه کار داری؟ گفتم: مها سلامت
گفتا، که چند رانی؟ گفتا، که تا بخوانی
گفتا، که چند جوشی؟ گفتم: که تا قیامت
گفتا، برای دعوی قاضی گواه خواهد
گفتم: گواه اشکم، زردی رخ علامت
گفتا، گواه چرخ است تر دامن است چشمت
به فر عدلت، عدلند و بی غرامت

گفتم:

(مولوی، 1363: 77-76)

سعدی شیرازی، نیز مناظره های زیبایی به صورت نظم و نثر دارد. در نمونه ای از بوستان باب سوم- در عشق و مستی و شور- مناظره ی «شمع و پروانه» می بینیم:

شبی یاد دارم که چشم نخفت
شنیدم که پروانه با شمع گفت:
«که من عاشقم گر بسوزم رواست
تو را گریه و سوز باری چراست؟»
بگفت: «ای هوادار مسکین من
برفت انگبین یار شیرین من
چو شیرینی از من بدر می رود
چو فرهادم آتش به سر می رود»
همی گفت و هر لحظه سیلاب درد
فرو می دویدش به رخسار زرد
که ای مدعی عشق کار تو نیست
که نه صبر داری نه یارای ایست

(سعدی، 1363: 238)

و در جای دیگر در دیوان اشعار در قطعه ای می سراید:
گفتم چه کرده ام که نگاهم نمی کنی
و آن دوستی که داشتی اول، چرا کم است؟
گفتابه جرم آنکه به هفتاد سالگی
سودای سور می پزی و جای ماتم است(همان: 245)

مناظره در قرن هشتم:

در این قرن نیز، شاعران بلند آوازه ای چون، خواجه کرمانی و حافظ،
در قالب غزلیات شیرین خویش، مناظراتی به رشته ی نظم کشیده اند که
نمونه ای از آنها را شاهد می آوریم:

گفتا که از کجایی کاشفته می نمایی
گفتا منم غریبی از شهر آشنایی
گفتم، کدام مرغی؟ کز این مقام خوانی
گفتا، که خوش نوایی از باغ بی نوایی

(خواجه، 1360:غ 921)

گفتم غم تو دارم گفتا غمت سر آید
گفتم که ماه من شو گفتا اگر بر آید
گفتم زمهر و رزان رسم وفا بیاموز
گفتا زخوبرویان این کار کمتر آید
گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم
گفتا، که شبرو است او از راه دیگر آید...

(حافظ، 1390: 232)

مناظره در قرن نهم:

در این قرن، از نوادگان امیر عبدالرحیم خان، در عهد سلطان حسین
بایقرا، خسرو شیرین زیبایی سروده که، چند مناظره بین شاه و دایه ی
شاه و فرهاد، همچنین، شاه و شاپور آورده است.
و نیز می توان به مناظره تیر و کمان از منظومه شاه و درویش
هللی جغتایی (مقتول 936ق) اشاره کرد و جامی نیز مناظره های
زیبایی در هفت اورنگ سروده است، از جمله:

گفت به مجنون صنمی در دمشق
کای شده، مستغرق دریای عشق
عشق، چه و مرتبه ی عشق چیست؟
عاشق و معشوق در این پرده کیست؟
عاشق یک رنگ حقیقت شناس
گفت: که ای محو امید و هراس
نیست بجز عشق در این پرده، کس
اول و آخر همه عشق است و بس

(جامی، 1378: 733)

والی مصر ولایت، ذوالنون
آن به اسرار حقیقت مشحون
گفت در مکه مجاور بودم

در حرم حاضر و ناظر بودم
 ناگه آشفته جوانی دیدم
 نه جوان، سوخته جانی دیدم
 لاغر و زرد شده همچو هلال
 کردم از وی ز سر مهر سؤال
 که: «مگر عاشقی؟ ای شیفته مرد!
 که بدین گونه شدی لاغر و زرد؟»
 گفت: «آری به سرم شور کسیست
 کش چو من عاشق رنجور بسیست»
 گفتمش: «یار به تو نزدیک است
 یا چو شب روزت از او تاریک است؟»
 گفت: «در خانه او ایام همه عمر
 خاک کاشانه او ایام همه عمر»
 گفتمش: «یکدل و یکروست به تو
 یا ستمکار و جفاجوست به تو؟...»

(همان: 680)

از این قرن به بعد، مناظرات متعددی به شکل منظومه های مستقل، در قالب مثنوی سروده می شود. از جمله، منظومه ی «گوی و چوگان» سروده طالب جاجرمی، «ماه و خورشید» از خواجه مسعود قمی و بهاریه ی «پیر و جوان» اثر میرزا محمد نصیر اصفهانی (متوفی 1192ق).
 و بدین شکل این شیوه ی ادبی، سیر گسترده ی خود را تا دوره معاصر در آثار بزرگان علم و ادب، ادامه می دهد.

مناظره در ادبیات معاصر:

در ادبیات معاصر، نمونه های فراوانی از مناظره، به عنوان وسیله ای برای ترویج افکار اخلاقی و تعلیمی قابل رد یابی است. ملک الشعرای بهار و تالی وی پروین اعتصامی از ادیبانی هستند که در این نوع از سخن سرایی از توانایی های خاصی بهره مندند. ابتکارات خاص بهار، در انتخاب مصادیق مناظره، نشانگر قدرت، ذوق و توانایی بالای وی در این فن است. مناظره هایی چون «چشمه و سنگ» «نی و بلوط» و «بلبل و زاغ» از سروده های وی در این شیوه است.
 پروین نیز در این باب چون سایر قالب های شعریش به بهار توجه دارد. مناظره های زیبا و آموزنده ی وی از زبان اشیاء، پرندگان و عناصر طبیعت، آن چنان در متن اشعارش استوار شده که در اغلب قطعات و مثنوی هایش به کار گرفته شده است.
 بیش تر گفت و گوها و مناظره های پروین بدین شکل است که، یک طرف در چند بیت سخن می گوید و سپس طرف دیگر، در ابیاتی چند، پاسخ او را می دهد. نظیر مناظره ی «مست و هوشیار»، «نخ و سوزن»، «دزد و قاضی» و

پروین اعتصامی را می توان بزرگ ترین مناظره گو در ادب معاصر دانست زیرا در دیوان او قریب 65 شعر می توان یافت، که به روش مناظره سروده شده است.

ابداع او در مضمون و انتخاب طرفین از اشخاص، موجودات جاندار، گل و گیاه و اشیایی بی جان یا موضوعات انتزاعی، ورود در عالم هریک از دو طرف بحث و احساس حالات آنها، قدرت تجسم، سخن گفتن به شیوه ای متناسب و هنر مندانه از زبان هریک، و اشارات نکته آموز و پر مغز به اقتضای حال، و بسیاری ظرایف دیگر، این گونه اشعار او را به صورت مظاهر درخشان وی در آورده است.

پروین، این شاعر با عاطفه، با مهر مادرانه، قطعات و قصایدش مملو از عاطفه و احساس یک زن نیکو سیرت ایرانی است. گرچه هرگز مادر نشد و بیماری امانش نداد تا بیشتر بذر فضل در زمین ادب ایران بپاشد، اما با توجه به عمر کوتاهش و تعداد مناظره های زیبا و دلکش در دیوانش، شایسته است که وی را بزرگ ترین شاعر و مناظره گوی معاصر بنامیم.

نمونه ای از مناظره های وی :

شنیدستم که اندر معدنی تنگ
سخن گفتند با هم گوهر و سنگ
چنین پرسید سنگ از لعل رخشان
که از تاب چه شد چهرت فروزان

(پروین، 1320: 200)

قطعه ی مست وهوشیار

محتسب، مستی به ره دید و گریبانش گرفت
مست گفت: (ای دوست! این پیراهن است، افسار نیست)
گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می روی»
گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست»
گفت: «می باید تورا تا خانه ی قاضی برم»
گفت: «رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست»
گفت: «نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم»
گفت: «والی از کجا در خانه ی خمار نیست؟» ...

(همان، 1373: 87)

پروین، در این مناظره ی زیبا، رویارویی اشخاص را به شکل واقعی گفت وگو بیان نموده و تقابل ودرگیری طرفین را به نمایش گذاشته است. در واقع این شکل گفت وگو اثر گذاری شعر را تشدید می نماید. همین شیوه است، که ایشان را در رده ی مناظره گویان برتر قرار داده است.

مناظره در شعر نیمایی:

شاعران فرهیخته در ادب نیمایی، به پیروی از الگوی کهن مناظره، در این خصوص بهره‌ها برده‌اند. با این تفاوت که دیدگاه متفاوت آنان در قالب و محتوا با شعرای پیشین در انتخاب مضمون بسیار متفاوت است. از میان شعرای معاصر، چهره‌ی سرشناسی که گفت و گو و مناظره را به شیوه‌ی دل‌انگیز در ادبیات نیمایی به کار گرفته، محمد رضا شفیعی کدکنی است.

از این شاعر چند «گفت و گو» در دست است که هر کدام گوشه‌ای از حیات رژیم گذشته را به نقد می‌کشد. به عنوان مثال: در مناظره‌ی زیبایی «گون و نسیم» گوشه‌ای از دنیای درون و برون جامعه را به تصویر می‌کشد:

سفر بخیر

به کجا چنین شتابان؟
گون از نسیم پرسید
دل من گرفته ز اینجا،
هوس سفر نداری
ز غبار این بیابان؟
همه آرزویم، اما
چه کنم که بسته‌پایم...

(شفیعی کدکنی، 1357: 13)

گو و گفت

گفتم:
«این باغ ارگل سرخ بهاران بایدش؟...»
گفت:
«صبری تا کران روزگاران بایدش
تازیانه‌ی رعد و نیزه‌ی آذرخان نیز هست
گرنسیم و بوسه‌های نرم باران بایدش»
گفتم:
«آن قربانیان پار
آن گل‌های سرخ؟...»
گفت:
«آری...»
ناگهانش گریه آرامش ربود؛
وز پی خاموشی طوفانی اش
گفت: «اگر در سوگشان
ابرمی خواهد گریست
هفت دریای جهان یک قطره باران بایدش.»
گفتمش: «خالی ست شهر از عاشقان وینجا نماند
مرد راهی تا هوای کوی یاران بایدش...»

(همان: 83)

نیما، به عنوان پایه گذار فرهنگ نو سرایی در ادب فارسی، در منظومه ی « مرغ آمین » و هم چنین منظومه ی بلند قصه ی رنگ پریده، انسان را بر پاسخ های آتشین عشق مجاب می نماید. اما گسترده ی مناظره های فارسی صرفاً به نظم محدود نبوده و در عرصه نثر نیز آثاری ارزشمند و ستودنی خلق شده است.

9. مناظره در نثر:

از مناظره های فارسی که به نثر نگارش یافته می توان اشاره کرد به بخش هایی از مقامات حمیدی، هم چون مناظره بین « ملحد و سنی » و « طبیب و منجم » و نیز « جدال سعدی با مدعی » در گلستان. یا مناظره ی « شطرنج و نرد » از حسام الدین محمد رشید صراف خوارزمی، که برای ممدوح خود امیر مبارکشاه به نثری مسجع نوشته است. هم چنین مناظره ی « عناصر » از خواندمیر که از نویسندگان عهد تیموری است مناظره ای که برای جلال الدین قاسم فرنخودی به نثری ساده و روان تحریر شد. بخش اعظم مناظرات منثور ما با توجه به شرایط اجتماعی ساخته و پرداخته شده است. و بدیهی است که شرایط اجتماعی گفت و گو، با نظام سیاسی حاکم به طور مستقیم ارتباط دارد. که بررسی این آثار مجال دیگری را می طلبد، اما سعدی، به عنوان ادیبی که در عرصه ی نظم و نثر آثاری از خود به یادگار گذاشته است. در هر دو شیوه، دگرگونی های اندیشه را در فرم حکایت به ویژه در کتاب گلستان به مخاطب و جامعه عرضه کرده است. و مناظره سعدی با مدعی، بیانگر اوج این نظام فکری است، که در آن مجادله ی نفس گیر، در نهایت هر دو طرف، تن به قضاوت قاضی می دهند. تا در هر طایفه، درویش و غنی تفاوت اندیشه ها و شخصیت های فکری را از زبان قاضی بشنوند.

10. موضوع مناظره :

مناظره ها حال منظوم یا منثور از حیث موضوع جنبه های متنوعی دارند. از جمله:

- 1- مناظره هایی که جنبه ی علمی دارند مثل « طبیب و منجم » در مقامات حمیدی.
- 2- مناظره هایی که جنبه و زمینه ی فلسفی دارند. از جمله: « هدهد و زاغ » در مثنوی مولوی یا « کوه و کاه » در دیوان پروین.
- 3- مناظره هایی که جنبه ی عرفانی دارند. مانند: « عاشق و طاعن » از سنایی در حدیقه و « پروانه و شمع » در بوستان سعدی.
- 4- مناظره هایی که موضوع حکمی و اخلاقی دارند. از جمله « نی و بلوط » از ملک الشعرا ی بهار، یا « چنار و کدو » از ناصر خسرو.
- 5- مناظره هایی که موضوع دینی و مذهبی دارند. هم چون: « مغ و مسلمان » از اسدی طوسی یا « سنی و ملحد » از مقامات حمیدی.
- 6- مناظره هایی که موضوع انتقادی دارند. هم چون: « دزد و قاضی »، « مست و محتسب » از پروین، و « توانگر با درویش » در گلستان سعدی.

11. شخصیت های مناظره :

در مناظره «گفت و گو» معمولا بین دو عنصر متضاد است، به همین لحاظ شخصیت ها، عنصر اصلی آن به شمار می آیند. شخصیت ها باید جنبه ی نمونه و تیپیک داشته باشند تا موضوع و محتوای مناظره در آن به خوبی نمود پیدا کند. می توان آنها را به اقسام زیر دسته بندی نمود:

1- گاه مناظره بین اشخاص اتفاق می افتد. مانند: «نحوی و کشتیبان» از مولوی.

2- گاه مناظره بین حیوانات و پرندگان است. هم چون: «حربا و خفاش» از وحشی بافقی یا «مور و مار» از پروین.

3- گاه مناظره بین اشیای بی جان است. مانند: «دیگ و کاسه» از عطار یا «نخ و سوزن» از پروین.

4- گاه مناظره بین موضوعات و مفاهیم انتزاعی است. مانند: «امید و نومیدی» از پروین یا «عقل و عشق» از مولوی.

بنابراین شاعران و نویسندگان در اعصار مختلف در نوع مناظره شخصیت های مختلف را برای تاثیر گذاری بیشتر و بیان اهداف انتقادی، سیاسی، اخلاقی و... به کار گرفته اند

12. نتیجه گیری:

مناظره در میان همه ملت های جهان مطرح بوده و جایگاه گسترده ای در میان آثار ادبی به خود اختصاص داده است.

ایرانیان نیز از گذشته های دور به این نوع ادبی توجه ویژه ای داشته در گذر تاریخ، با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی هر دوره، توجه به این نوع نگارش متفاوت بوده است. گاهی شاعران از آن برای مدح شاهان و حاکمان از آن بهره جسته اند. و گاهی برای هنر نمایی شاعرانه و زمانی هم برای بیان مسایل اخلاقی و یا فلسفی و زمانی هم برای انتقاد های اجتماعی از آن استفاده نموده اند.

ادبای بزرگ، به این شیوه ی ادبی بی توجه نبوده اند. هر کدام با شیوه ی خاص خود، در آن طبع آزمایی نموده اند.

بزرگان ادب به مناظره های زبان حالی توجه خاصی داشته اند. آثار ارزش مند بسیاری در قالب مناظره، چه به صورت نظم و چه به صورت نثر به یادگار مانده است.

در قالب «گفت و گو» منطق کلام و میزان درک مسایل بالا می رود. و مخاطب بهتر و دقیق تر، در جریان نقطه نظرات دو طرف مناظره کننده قرار می گیرد و به اهداف آنها پی می برد.

در این نوع گفتار، مطالب حاشیه ای حذف و مسایل اصلی، روشن تر و دقیق تر عنوان می شود.

به نظر می رسد، نظامی گنجوی این نوع گفتار را در قرن ششم به اوج رسانده باشد.

پروین اعتصامی در اثر حاضر از این فن برای بیان مقاصد اجتماعی به خوبی بهره برده است.

منابع: الف: کتاب

- اته، هرمان، (1356)، تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه و حواشی رضا زاده شفق، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اعتصامی، پروین، (1373)، دیوان پروین اعتصامی، به کوشش شهرام رجب زاده، تهران، شفق.
- _____، (1320)، دیوان شعر پروین اعتصامی، چ 2، تهران، فردین.
- انوشه، حسن، (1381)، فرهنگ نامه ی ادبیات فارسی، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد.
- بلخی، جلال الدین محمد، (1363)، گزیده غزلیات شمس، به کوشش محمد رضا شفیعی کدکنی، چ پنجم، تهران، جیبی.
- _____، (1363). مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: انتشارات مولی.
- بهار، محمد تقی، (1364)، مقدمه دیوان پروین اعتصامی، تهران، نشرایمان.
- _____، (1385)، زبان و حال در عرفان و ادب پارسی، چاپ اول، تهران، هرمس.
- تفضلی، احمد، (1378)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، سخن.
- جامی، عبدالرحمن ابن احمد، (1378)، مثنوی هفت اورنگ، چ اول، مصحح جابلقا دادعلیشاه، تهران، ناشر میراث مکتوب.
- چاووش اکبری، رحیم، (1378)، حکیم بانوی شعر فارسی، تهران، ثالث.
- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، (1390)، دیوان حافظ شیرازی، چ چهارم، تهران، انتشارات شرکت تعاونی کار آفرینان.
- داد، سیما. (1383). فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید.
- دهخدا، علی اکبر، (1325)، لغت نامه دهخدا، تهران، مجلس.
- سعدی شیرازی، مصلح الدین، (1363)، شرح بوستان، چ پنجم، محمد خزائلی، تهران، ناشر جاویدان.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا، (1357)، در کوچه باغ های نیشابور، چ هفتم، تهران، انتشارات توس.
- شمیسا، سیروس، (1386)، انواع ادبی، تهران: فردوسی.

- گرگانی، فخر الدین اسعد، (1314)، ویس و رامین، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، ابن سینا.
- گلبن، محمد، (1351)، بهار و ادب فارسی، ج1، تهران، جیبی و فرانکلین.
- نظامی گنجوی، (1363)، سبعة حکیم نظامی گنجوی، خسرو شیرین، هفت پیکر، ج دوم، چ دوم، تصحیح و تحشیه حسن وحید دستگردی، تهران، ناشر علمی.
- ب: نشریه:**
- پور جوادی، نصرالله، (1384)، « مناظره عقل و علم و حلم و دولت از مولفی ناشناخته»، نشریه ی نامه ی فرهنگستان، شماره 26، (از ص 8 تا ص 17).
- شوشتری، مرتضی، (1389)، « مناظره در ادب فارسی »، کیهان فرهنگی، شماره 290-291، (از ص 60 تا ص 70).
- فلاح، غلامعلی، (1387)، « جایگاه فن مناظره در شاهنامه فردوسی»، پژوهش های ادبی عرفانی (گوهر گویا)، شماره 5، (از ص 151 تا ص 164).

Reflections on the evolution of the debate Asurik tree Poems Nima

Abstract

Debate, which is a form of artistic expression indirectly, to attract the reader to assess the strength and challenge his thinking. In this type of response and comparison of two elements, often conflicting, and conflicts among them are used to achieve the goal.

In this paper, using analytical methods, the evolution of the genre from the early days of the formation and evolution of Nima and check, receive, and make skip its development are described.

The first literary genre to simple conversations conventional metaphor the genre has a specific form. The genre of the sixth century to prove theories, philosophical or moral consequences of performance poetry scene reaches its climax. Then, in every age of the subject content and time-varying demands to be written to praise elemental rulers and rulers, for the purposes romantic Nezami, Rumi and Sanai for spiritual and moral explanations of concepts and issues in contemporary critical for the expression of P. Etesami have benefited from that. It has scholars in each of the developmental needs of the community and make it clear to fluctuations.

The oldest debate on "Tree Svryk" Parthian Pahlavi language. Where trees and goats during the discussion to enumerate the benefits of their own and eventually lead the fight to win the goat on the tree. Nimaii in the literature, following the old pattern can be debated, but scholars have different views on the format and content of the earlier poets in the selection of content is very different.

Keyword: Debate, Persian literature, Tree Svryk, language, the poetry,

